نیاز به ۵۰ هزار دوربین لباس برای پلیس

معاون فناوری اطلاعات و ارتباطات فراجا با بیان اینکه اکنون ۲۰ هزار دوربین لباس در اختیار پلیس قرار دارد، گفت: نیاز پلیس به دوربین لباس بیش از ۵۰ هزار دستگاه است و امیدواریم با تأمین اعتبار لازم بتوان تا پایان سال شمار بیشتری از مأموران را به این دوربین‌ها مجهز کرد.

به گزارش «جوان»، سردار احمد دولتخواه در نشست تشریح اقدامات و عملکرد پلیس در زمینه خدمات الکترونیکی به مردم و برنامه‌های آینده برای تحقق پلیس هوشمند با اشاره به اینکه در فراجا فناوری‌های نوین در خدمات‌رسانی به مردم برنامه‌های مدونی شکل گرفته است، گفت: اکنون «فاوا» سه نوع خدمت با درگاه‌های مختلف را ارائه داده که یکی از آنها خدمات مستقیم به مردم است. بخش دیگری از خدمات به حوزه سازمان‌ها و دستگاه‌ها برمی‌گردد تا این نهادها با استفاده از داده‌های پلیس بهترین خدمات را به جامعه ارائه کنند. بخش سوم خدمات فناوری ارتباطات و اطلاعات پلیس مربوط به سکوهای مجازی است که پلیس با ویژگی‌هایی که برای سکوها در نظر گرفته است تلاش کرده مردم بتوانند با سرعت و دقت از این سکوها خدمات دریافت کنند که می‌توان به درگاه «سافت» مجوزها و اسناد اعتباری اشاره کرد.

وی به سامانه استعلام وضعیت خودرو نیز اشاره کرد و گفت: این سامانه به‌طور لحظه‌ای شرایط و وضعیت وسائل نقلیه را برای انجام معاملات در اختیار مردم قرار داده و قرار است روی سکوهای خدمات عمومی مستقر شود و از این طریق به کلاهبرداری در این معاملات پایان می‌دهد.

بدین ترتیب هر وقت قرار است از یک وسیله‌ای استعلام گرفته شود، ابتدا گذرواژه‌ای برای مالک به صورت پیامکی ارسال می‌شود و در صورت رضایت مالک با ارسال رمز عبور وضعیت خودرو به خریدار نمایش داده می‌شود تا خریدار از سوابق خودرو از جمله تصادفات، درست بودن ارکان خودرو و مالکیت و حتی بیمه و جریمه‌های آن و غیره مطلع شود و سپس نسبت به خرید اقدام کند.

سردار احمد دولتخواه با بیان اینکه نیاز پلیس به دوربین البسه در راستای تحقق پلیس هوشمند بیش از ۵۰ هزار دستگاه است، افزود: اکنون ۲۰ هزار دوربین البسه در اختیار پلیس قرار دارد که تا پایان امسال به ۲۸ هزار دوربین خواهد رسید.

زلزله دست از سر هرات بر نمی‌دارد

چهار روز پس از وقوع زمین‌لرزه مرگبار افغانستان که بیش از ۲ هزار کشته برجای گذاشت، بامداد روز گذشته زمین‌لرزه‌ای به بزرگی ۶/۳ ریشتر در این کشور اتفاق افتاد.

ساعت ۵ و ۱۰ دقیقه بامداد روز گذشته زمین‌لرزه‌ای با بزرگی ۶/۳ ریشتر در ۲۸ کیلومتری شمال شهر هرات اتفاق افتاد. گزارش‌های ارسال شده حکایت از این دارد که همه روستاهای ولایت هرات با خاک یکسان شده‌اند. به گزارش «فرانس ۲۴»، در روستای نایب رفیع که قبلاً حدود ۲ هزار و ۵۰۰ نفر سکنه داشت، دیگر به جز مردانی که هنگام وقوع زلزله در بیرون خانه بوده‌اند، تقریباً هیچ‌کس زنده نمانده‌است. در حال حاضر هم بازماندگان تمام روز برای کندن چاله‌های بزرگ برای گور دسته‌جمعی با بیل مکانیکی کار می‌کنند.

ادعای قتل ۵ نفر توهم مصرف شیشه بود

شرور سابقه‌داری که به یکی از دوستانش گفته بود پنج نفر را با شلیک گلوله به قتل رسانده است، پس از دستگیری با شلیک گلوله پلیس متوجه شد در توهم مصرف شیشه با کلت کمری تعدادی خودروی پارک شده را تخریب کرده است.

به گزارش «جوان»، اوایل مهرماه مردی در تهران با اداره پلیس تماس گرفت و گفت یکی از دوستانش مدعی است پنج نفر را به قتل رسانده است. وی گفت: «دوستم فرزاد، شرور سابقه‌داری است که چند باری به زندان رفته است. او ساعتی قبل در حالی که کلت کمری در دست داشت به خانه‌ام آمد و گفت پنج نفر را به قتل رسانده است و از من خواست کمکش کنم که به خارج از کشور فرار کند.»

■ بازداشت

با اعلام این خبر، مأموران با بررسی پرونده متهمان سابقه‌دار دریافتند فرزاد یکی از اراذل و اوباش تهران است و چند باری هم به اتهام درگیری و قدرت‌نمایی به زندان افتاد است. بدین ترتیب برای دستگیری او راهی خانه متهم شدند، اما فرزاد با دیدن مأموران پلیس خودش را از پنجره به پایین پرت و فرار کرد. مأموران هم با شلیک گلوله پای متهم را هدف قرار دادند و او را زخمی و سپس به بیمارستان منتقل کردند.

■ قتل‌های توهمی

درحالی‌که متهم تحت درمان قرار داشت، بررسی‌های مأموران نشان داد وی قتلی مرتکب نشده است و اعتراف به قتل پنج نفر به خاطر توهمی بوده که پس از مصرف شیشه به او دست داده است. مأموران متوجه شدند روز حادثه متهم در توهم مصرف موادمخدر شیشه با سلاحی که در اختیار داشته به طرف خودروهای پارک شده در محله‌شان تیراندازی و تعدادی خودرو را تخریب کرده است.

متهم گفت: من ۱۳ سابقه دستگیری دارم. البته بیشتر سابقه‌های من درگیری و قدرت‌نمایی بود که از سوی پلیس دستگیر می‌شدم و به زندان می‌افتادم. به یاد دارم چند سال قبل اولین بار به‌خاطر درگیری و ضرب و جرح یکی از بچه‌های محل دستگیر شدم و بعد از آزادی هم دوباره همین جرائم را تکرار کردم. وی ادامه داد: چند باری به اتهام زورگیری هم بازداشت شده‌ام. زورگیری‌های من از روزی شروع شد که معتاد به شیشه شدم. متهم درباره انگیزه‌اش هم گفت: به خاطر توهم شیشه بود. آن روز شیشه مصرف کرده بودم و توهم شدیدی به من دست داد و فکر کردم پنج نفر را به قتل رسانده‌ام، در صورتی که فقط به خودروهای پارک شده تیراندازی کرده بودم.

قتل برای پایان دادن به رابطه پنهانی

■ آرمین بینا

مرد ساندویچ‌فروشی که ابتدا همسرش را با چاقو به قتل رساند و سپس مرد کارمندی را با ضربه چاقو به پرتگاه مرگ کشانده بود، پس از دستگیری مدعی شد به همسرش گمان بد داشته‌است.

ساعت ۹:۳۰ صبح دیروز چهارشنبه نوزدهم مهر زن جوانی در تهران وحشت‌زده با اداره پلیس تماس گرفت و از تماس برادرش با او خبر داد که گفته است همسرش را در خانه به قتل رسانده و می‌خواهد مرد دیگری را هم به قتل برساند: «برادرم گفت می‌خواهم خودم را به پلیس معرفی کنم. او این حرف‌ها را زد و تلفن همراهش را قطع کرد و به تماس‌های بعدی من هم جوابی نداد. بلافاصله با تلفن زن برادرم تماس گرفتم، اما او نه تلفن همراهش را و نه تلفن خانه‌اش را جواب نداد. الان می‌خواهم به محل زندگی برادرم حوالی منطقه عباس‌آباد بروم و از او خبری بگیرم، اما خیلی نگرانش هستم و از پلیس درخواست کمک دارم.»

■ جسدی با ۱۰ ضربه

با اعلام این خبر، تیمی از مأموران کلانتری ۱۰۴ عباس‌آباد راهی محل شدند، اما هر چقدر زنگ خانه طبقه دوم ساختمان مسکونی را زدند، کسی در را باز نکرد. مأموران در ادامه تلفن همراه فرید را گرفتند، اما او جواب نداد و در نهایت به دستور قاضی محمد جواد شفیعی، بازپرس ویژه قتل دادسرای امور جنایی تهران قفل در آپارتمان را تخریب کردند و در یکی از اتاق‌ها با جسد زن ۴۰ ساله‌ای به نام مهناز روبه‌رو شدند که با ۱۰ ضربه چاقو به قتل رسیده‌بود. زن جوانی که موضوع را به پلیس خبر داده‌بود، در محل حادثه تأیید کرد، مقتول همسر برادرش است.

بدین ترتیب با تأیید حادثه خونین، بازپرس جنایی همراه تیمی از کارآگاهان اداره دهم پلیس آگاهی برای تحقیق پای در قتلگاه زن جوان گذاشتند.

■ گمان بد

معاینات اولیه تیم پزشکی قانونی نشان داد حدود دو ساعتی از قتل زن ۴۰ ساله می‌گذرد و مشخص شد قاتل دقایقی مانده به ساعت ۸ صبح، همسرش را به قتل رسانده و پس از گذشت ساعتی موضوع را به خواهرش خبر داده‌است. بررسی‌های مأموران پلیس حکایت از آن داشت قاتل مغازه ساندویچی دارد و همسرش هم خانه‌دار بوده‌است و از مدتی قبل با هم اختلاف پیدا می‌کنند. آنطور که در تحقیقات میدانی مشخص شد، قاتل به همسرش گمان بد داشته و به رفتارهای همسرش مشکوک شده و احتمال می‌داده همسرش با مردی ارتباط پیامکی داشته‌است. اختلاف زن و شوهر ادامه داشته تا اینکه صبح روز حادثه، قاتل وقتی دو پسر دانش‌آموزش به مدرسه می‌روند، در درگیری همسرش را به قتل می‌رساند و حادثه را به خواهرش خبر می‌دهد.

■ درگیری خونین دوم

در حالی که تحقیقات درباره این حادثه ادامه داشت، این فرضیه برای تیم جنایی قوت گرفت که قاتل به احتمال زیاد برای درگیری خونین دیگری به سراغ همان مردی رفته‌است که به رابطه او با همسرش مشکوک است. بدین ترتیب مأموران برای دستگیری قاتل و شناسایی مردی که جانش در خطر بود، دست به تحقیقات میدانی زدند، اما دقایقی بعد مأموران کلانتری جوادیه تهرانپارس درگیری خونین دو مرد را به تیم جنایی خبر دادند که یکی از آنها بر اثر ضربه چاقویی به گردنش برای درمان به بیمارستان منتقل و ضارب هم بازداشت شده‌بود.

بررسی‌ها نشان داد ضارب همان قاتل فراری است که ساعتی قبل همسرش را کشته‌است و مرد زخمی هم بهروز نام دارد که فرید به ارتباط او با همسرش مشکوک بوده‌است.

تیم جنایی در محل حادثه دریافت مرد زخمی کارمند اداره‌ای است و قاتل فراری با او در نزدیکی محل کارش درگیر شده و از ناحیه گردن به شدت او را زخمی کرده‌است.

متهم در نخستین بازجویی‌ها در اداره پلیس ادعا کرد به رفتارهای همسرش و بهروز مشکوک شده و به همین دلیل ابتدا همسرش را به قتل رسانده و سپس در درگیری بهروز زخمی کرده‌است.

تحقیقات در حالی درباره این دو حادثه ادامه دارد که مرد زخمی بر اثر ضربه چاقو به گردنش در یک قدمی مرگ قرار دارد و در قسمت مراقبت‌های ویژه تحت درمان است.

متهم: به جای اینکه داماد شوم قاتل شدم

■ جلال مهرگان

مردی که از یک سال قبل در جریان یک پرونده عشقی پایش به پرونده قتل باز شده‌بود، در دادگاه کیفری یک استان تهران محاکمه شد.

یک سال قبل اعضای خانواده‌ای به پلیس تهران خبر دادند که پسر ۲۰ ساله‌شان که رحیم نام دارد، گم شده‌است. آنها گفتند رحیم برای انجام کاری از خانه بیرون رفته و دیگر برنگشته‌است. تحقیقات مأموران پلیس آگاهی تهران نشان داد رحیم از مجرمان سابقه‌دار است که به اتهام خرید و فروش موادمخدر بازداشت شده و مدتی را در زندان سپری کرده‌بود. بررسی‌های پلیس با تحقیقات از خانواده و دوستان رحیم ادامه پیدا کرد. شش ماه بعد از اعلام شکایت خانواده رحیم، مأموران از محمود که آخرین‌بار با رحیم ملاقات داشت، تحقق کردند. بررسی‌های پلیس نشان داده‌بود که محمود از مدت‌ها قبل به خواستگاری خواهر رحیم می‌رفت و با وجود اینکه خانواده رحیم با این وصلت موافق بودند، اما رحیم تنها عضو خانواده بود که مانع این وصلت شده‌بود. محمود در اولین تحقیقات گفت: من مدتی قبل، خواهر رحیم را دیدم و به او علاقه‌مند شدم. بعد همراه خانواده‌ام به خواستگاری‌اش رفتم. با وجود اینکه مادر و خواهرش موافق این وصلت بودند، اما رحیم مخالف بود. او

تصمیم داشت خواهرش به وصلت یکی از دوستانش که وضع مالی خوبی هم داشت، درآورد. دوستش وعده داده‌بود در صورتی که این وصلت صورت گیرد، یک پژو ۲۰۶ به نامش می‌زند.

محمود در جریان تحقیقات بعدی پلیس بود که راز قتل رحیم را بر ملا کرد و گفت که جسد را در کانال آبی حوالی بهشت زهرا رها کرده‌است. متهم گفت که قتل را به فرمان مادر رحیم اجرا کرده‌است. با اطلاعاتی که محمود در اختیار پلیس گذاشت، مادر مقتول هم بازداشت شد، اما در تحقیقات جرمش را انکار کرد. در شاخه دیگری از تحقیقات، تیمی از مأموران پلیس به همراه متهم راهی محل رها کردن جسد رفتند. بررسی‌های پلیس در این‌باره نشان داد که روز حادثه بقایای جسد در محل کشف و به پزشکی قانونی منتقل شده‌است. با کامل شدن بررسی‌ها، بازپرس محمود را به اتهام قتل مجرم شناخت و کیفرخواست علیه وی صادر و پرونده برای بررسی به شعبه دهم دادگاه کیفری یک استان تهران فرستاده شد.

وقتی قاضی رسمیت جلسه را اعلام و اولیای‌دم برای متهم درخواست مجازات کردند، محمود به درخواست قاضی در جایگاه حاضر شد. او اتهامش را قبول کرد و در شرح ماجرا گفت: سه سال قبل از حادثه بود که با سمانه آشنا شدم و به صورت رسمی به خواستگاری‌اش رفتم. من به او علاقه داشتم و دوست داشتم به هر طریق که شده با او وصلت کنم، اما رحیم مانع این وصلت بود و اصلاً به این کار رضایت نمی‌داد. یکی از دوستان رحیم از خواهرش خواستگاری کرده‌بود، برای همین رحیم به شدت مخالف بود که من دامادشان شوم. مادرش اما من را به دامادی قبول داشت، برای همین وقتی شرط گذاشت رحیم را با طرح نقشه‌ای راهی زندان کنیم، قبول کردم. آن روز مقداری مخدر شیشه و هرویین در خودروی او جاساز کردم و به پلیس خبر دادم. وقتی مأموران از راه رسیدند، رحیم صحنه را ترک کرده‌بود، برای همین نقشه‌مان ناکام ماند. مادر رحیم چند سناریوی دیگر هم برای گرفتار کردن پسرش طراحی کرد، اما هیچ‌کدام به سرانجام نرسید تا اینکه پیشنهاد قتل داد. من قبول نکردم، اما گفت شرط رسیدن به دخترش این است که رحیم را به قتل برسانم و از سر ناچاری قبول کردم. روز حادثه، رحیم و مادرش سوار خودرو بودند که من به طرفش رفتم و او را با چاقو هدف قرار دادم که زخمی شد. وقتی وضعیت رحیم را دیدم، دلم به حالش سوخت و از کاری که کرده‌بودم، پشیمان شدم و تصمیم گرفتم او را به بیمارستان ببرم که مادرش مانع شد. پیکر رحیم را داخل صندوق عقب خودرو گذاشتم و به سمت بهشت زهرا رانندگی کردیم. کنار یک کانال آب توقف کردم. مادر رحیم پارچه‌ای به چشمان پسرش بست و بعد او را از داخل صندوق خارج کردیم. به رحیم گفتم که من از سوی مادرش اجیر شده‌بودم و بعد او را داخل کانال آب رها کردیم تا اینکه بازداشت شدم. متهم گفت از کاری که کرده‌ام پشیمانم و به جای اینکه داماد شوم قاتل شدم.

هیئت قضایی بعد از شنیدن آخرین دفاع متهم وارد شور شد.

یادداشت

حسین فصیحی

پاسخگویی به مطالبات عمومی در روایت اول

موضوعات بسیاری در بدنه اجتماعی مطرح می‌شود که رسانه‌ها یا از پرداختن به آن منع می‌شوند یا به دلیل شرایطی که جامعه را دربر می‌گیرد، ناچار می‌شوند جوانب احتیاط را رعایت کنند. واکنش‌های اجتماعی که به دنبال طرح این موضوعات در جامعه مطرح می‌شود، موضوعات اساسی هستند که بسیاری از مدیرانی که در حوزه تصمیم‌گیری دخالت دارند از پیامدهایی که بی‌توجهی به آن جامعه را هدف قرار می‌دهد، اطلاع ندارند. به عنوان مثال حضور گسترده اتباع غیرمجاز افغان در کشور مدت زیادی است که منجر به بروز نارضایتی در بدنه اجتماعی شده است. سازمان‌های متولی از جمله وزارت کشور حاضر نیستند صراحتاً درباره تصمیم‌گیری‌های صورت گرفته به افکار عمومی پاسخ دهند. این حجم گسترده از اتباع غیرمجاز که حضور ناگهانی‌شان به جای اینکه سرمایه تلقی شود، هزینه‌های بسیاری را به کشور تحمیل کرده را نمی‌شود با رویه‌ای که وزارت متبوع در پیش گرفته سهل پنداشت و از کنار آسیب‌هایی که از مجرای آن دامن جامعه ما را تا سالیان دراز خواهد گرفت، گذشت.

وزارت کشور اگر این موضوع را در مقایسه تطبیقی با مهاجرانی که از ایران راهی غرب می‌شوند بررسی کند، متوجه خواهد شد که اتباع ایرانی به صورت قانونی راهی آن کشورها می‌شوند؛ عمده این افراد از تحصیلکرده‌ها و جامعه علمی، اقتصادی و فرهنگی هستند که از سرمایه‌های علمی خود در کشور مقصد ارتزاق می‌کنند و تا هر زمان هم که در آن سرزمین زندگی کنند از قوانین و مقررات آن تبعیت خواهند کرد. این دسته از جامعه آماری نزد کشور مقصد شناخته شده و تحت نظارتش هستند. بدیهی است که وقتی مردم به ناگهان چشم باز می‌کنند و بیگانگانی بدون هویت را کنار خود می‌بینند باید نگران باشند و جامعه مدیریتی هم باید به این نگرانی‌ها جواب دهد، نه اینکه ترجیحش این باشد که مسئله‌ای تا این حد از اهمیت مشمول مرور زمان شود. جامعه این حق را دارد که در مورد مسائل ناگواری که پیرامونش اتفاق می‌افتد احساس نگرانی کند و تا زمانی که این موضوع به ناامنی منجر نشده باید دستگاه‌های مسئول نسبت به رفع نگرانی موجود پاسخگو باشند.

اشتراکات زیادی در بدنه اجتماعی و بدنه مدیریتی جامعه نسبت به اتباع وجود دارد. طبیعتاً دولت از رویکرد انسانی و توجه به موازین دینی از مهاجران پذیرایی کرده است، اما این حس انسان‌دوستی نباید با تعرض به حقوق میزبان و ناامن کردن جامعه میزبان همراه باشد. افزایش ناگهانی جمعیتی بیگانه به جامعه که عمدتاً از افراد آسیب‌پذیر اجتماع خود هستند به پیامدهایی منجر می‌شود که باید از سوی دانشمندان علوم انسانی و اجتماعی بررسی شود تا چرایی تصمیم‌های متولیان امروز از سوی آیندگان مورد نقدهای تند قرار نگیرد.

به جز موضوع اتباع در جامعه، رویدادهای مشابه دیگری هم اتفاق می‌افتد که چرایی آن همواره مورد پرسش قرار می‌گیرد، اما پاسخی قانع‌کننده از بدنه مدیریتی شنیده نمی‌شود. مثلاً اینکه وقتی حادثه خودکشی کیومرث پوراحمد، هنرمند فقید اتفاق افتاد و گفته شد که انگیزه‌اش را در دفترچه یادداشتش نوشته، طبیعی بود که مردم بخواهند از علت این تصمیم باخبر شوند، اما نمی‌شوند و یا وقتی مأمور مسلح پلیس از سوی مردی چاقو به دست به شهادت می‌رسد، مردم می‌خواهند بدانند که چرا او دست به اسلحه نبرده بود و انگیزه متهم از دست زدن به چنین حادثه‌ای چه بوده است، اما این انگیزه از جامعه پنهان نگه داشته می‌شود. در چنین مواقعی ما که در حوزه آسیب‌های اجتماعی فعال هستیم و خصوصاً با بدنه انتظامی هم در ارتباطیم از دسترسی به چنین انگیزه‌هایی دور نگه داشته می‌شویم و پلیس هم ما را محرم خود نمی‌داند. بی‌توجهی به مطالباتی که در بدنه اجتماعی وجود دارد، بی‌اعتمادی به رسانه‌های رسمی را تقویت می‌کند و سرگردانی اجتماعی را منجر می‌شود، از همین‌روست که بسیاری از بدنه اجتماعی ترجیح‌شان این است که به جای دنبال کردن اخبار رسانه‌های رسمی، رویدادهای اجتماعی را از رسانه‌های دوردست دنبال کنند. از این‌رو در رویدادهایی که جامعه آن را با حساسیت دنبال می‌کند باید به مطالبات مطرح شده پاسخ داده شود، وگرنه بسیاری از این موضوعات به هزینه تبدیل خواهد شد. همچنین باید در نظر داشت که روایت اول بودن در این مطالبات در گذر زمان می‌تواند اعتماد عمومی به رسانه‌های رسمی را تقویت کند.

قصاص قاتل دوست

مردجوانی که ۱۲ سال قبل پس از قتل یکی از دوستانش به کشور ترکیه و آلمان گریخته‌بود، صبح دیروز قصاص شد.

به گزارش «جوان»، شامگاه ۱۵ آبان سال ۹۰ به مأموران پلیس تهران خبر رسید پسر جوانی در قهوه‌خانه‌ای حوالی خیابان فدائیان اسلام در درگیری به قتل رسیده‌است. بررسی‌ها نشان داد قاتل منصور نام دارد و پس از قتل دوستش به خارج از کشور گریخته‌است.

بدین ترتیب متهم تحت تعقیب قرار گرفت تا اینکه چند سال بعد مأموران دریافتند قاتل فراری از سوی مأموران کشور ترکیه بازداشت شده‌است. متهم پس از انتقال به اداره آگاهی پلیس تهران به قتل دوستش اعتراف کرد و گفت پس از فرار به کشور آلمان رفته‌است، اما به خاطر درگیری داخل کمپ مهاجران مجبور شده به ترکیه برگردد و در آنجا به دام افتاده‌است. متهم صبح دیروز در زندان قزلحصار کرج قصاص شد.

سازمان آگهی‌های روزنامه جوان تلفنی آگهی می‌پذیرد
۸۸۵۴۵۴۸۸

مفقودی

برگ سبز خودرو سواری هاچ بک پراید ۱۱۱ مدل ۱۳۹۰ رنگ سفید روغنی شماره پلاک (ایران ۶۸- ۵۱۱ ی ۳۸) به شماره موتور ۴۲۱۸۶۸۴ و شماره شاسی S۵۴۳۰۰۹۰۰۶۲۹۸۱ متعلق به سجاد مجیدپور شده و از درجه اعتبار ساقط می باشد. البرز

مفقودی

برگ سبز خودرو سواری پژو آردی ۱۶۰۰ مدل ۱۳۸۴ رنگ سبز یشمی شماره پلاک (ایران ۱۱ - ۳۲۷ ط ۶۸) به شماره موتور ۱۱۷۸۴۰۲۴۴۴۸ و شماره ۱۳۴۲۶۳۷۸ متعلق به سید علی موسوی کانی شده و از درجه اعتبار ساقط می باشد. البرز

تصمیم عدم افراز
مرجع رسیدگی: اداره ثبت اسناد و املاک منطقه ۶ مشهد

در تاریخ ۱۴۰۲/۴/۳۱ در خصوص در خواست آقای ابراهیمی سنو وکالتا از طرف خانمها مریم کوچک زاده دندانساز وفریده خوشبختی مبنی بر افزار سهم مشاع از ششدانگ عرصه واعیان یک دستگاه آپارتمان، پلاک ۱۱۷۲۴ فرعی از ۱۸۲ اصلی بخش ۱۰ مشهد با توجه به گزارش مورخ ۱۴۰۲/۶/۱۹ نماینده ثبت اعلام می دارد: سند مالکیت ۷۲ سهم مشاع از ششدانگ آپارتمان مذکور با شماره چاپی ۷۷۳۷۱۸ الف ۰۱ بنام مریم کوچک زاده دندانساز وسند مالکیت دو دانگ مشاع از ششدانگ آپارتمان مذکور با شماره چاپی ۲۶۲۰۳۹ ب ۹۶ بنام فریده خوشبختی وسند مالکیت ۷۲ سهم مشاع از ۲۱۶ سهم مشاع از ششدانگ آپارتمان مذکور بنام علیرضا خوشبختی صادر و تسلیم گردیده وبا عنایت به دستور ذیل گزارش صدر الاشاره به شرح ذیل اتخاذ تصمیم گردید. **تصمیم واحد ثبتی** با عنایت به گزارش نماینده منتخب مستند به سوابق ثبتی وسامانه نظر به اینکه مورد تقاضا یک واحد آپارتمان و دارای مشترکات و مشاعات بوده و تابع قانون تملک آپارتمانها و آیین نامه اجرایی آن می باشد، لذا تصمیم به عدم قابلیت افراز ان صادر ودر اجرای مواد ۵ و ۶ آیین نامه قانون افراز مراتب به کلیه مالکین مشاع ابلاغ تا چنانچه اعتراضی دارند حسب ماده ۲ قانون افراز وفروش املاک مشاع ظرف مدت ده روز از تاریخ ابلاغ اعتراض خود را تسلیم دادگاه محل وقوع ملک نموده وگواهی طرح دعوی را به این اداره تحویل نمایند.

م الف: ۹۱۲ هادی ریحانی
رئیس اداره ثبت اسناد و املاک منطقه ٦ مشهد

آگهی فقدان سند مالکیت

نظر به اینکه محمد علی خلیلی فرزند فتح اله اصالتا و به وکالت از عاطفه خلیلی فرزند محمدعلی وسعید خلیلی فرزند محمد علی و خدیجه غریب فرزند علی اصغر برابر وکالت نامه ۱۳۳۵۹ مورخه ۱۳۸۷/۰۴/۱۷ دفترخانه ۸۲ مشهد انضمام هشت برگ استشهادیه گواهی امضاء شده منظم به تقاضای کتبی جهت دریافت سند مالکیت المثنی نوبت اول به این اداره مراجعه ومدعی است که سند مالکیت ششدانگ پلاک ۴۸۸۶ فرعی از ۱۹۱ اصلی بخش ۱۰ مشهد به علت سهل انگاری مفقود گردیده است. با بررسی سیستم جامع املاک معلوم گردید: مالکیت محمد علی /خلیلی فرزند فتح اله شماره شناسنامه ۶ تاریخ تولد - دارای شماره ملی ۰۹۴۳۸۶۰۳۱۸ با جز س هم ۵،۱ از کل سهم ۶ بعنوان مالک یک ممیز پنج دهم دانگ مشاع از شش دانگ عرصه واعیان با شماره مستند مالکیت ۴۷/۱۲۷۰ تاریخ ۱۳۸۰/۰۹/۱۰ موضوع سند مالکیت اصلی بشماره چاپی ۲۱۳۶۲۵ سری سال که در صفحه ۳۲۰ دفتر املاک جلد ۷۱۷ ذیل شماره ۱۴۱۰۲۲ ثبت گردیده است. مالکیت عاطفه / خلیلی فرزند محمدعلی شماره شناسنامه ۲۳۶ تاریخ تولد دارای شماره ملی با جز سهم ۵،۱ از کل سهم ۶ بعنوان مالک یک ممیز پنج دهم دانگ مشاع از شش دانگ عرصه واعیان با شماره مستند مالکیت ۱۲۷۰۱ تاریخ ۱۳۸۰/۰۹/۱۰ موضوع سند مالکیت اصلی بشماره چاپی ۲۱۳۶۲۸ سری سال که در صفحه ۳۱۴ دفتر املاک جلد ۷۱۷ ذیل شماره ۱۴۱۰۲۰ ثبت گردیده است. مالکیت سعید / خلیلی فرزند محمدعلی شماره شناسنامه ۵۷۷ تاریخ تولد دارای شماره ملی با جز سهم ۵،۱ از کل سهم ۶ بعنوان مالک یک ممیز پنج دهم دانگ مشاع از شش دانگ عرصه واعیان با شماره مستند مالکیت ۱۲۷۰۱ تاریخ ۱۳۸۰/۰۹/۱۰ موضوع سند مالکیت اصلی بشماره چاپی ۲۱۳۶۲۶ سری سال که در صفحه ۳۱۱ دفتر املاک جلد ۷۱۷ ذیل شماره ۱۴۱۰۱۹ ثبت گردیده است. مالکیت خدیجه / غریب فرزند علی اصغر شماره شناسنامه ۲۰ تاریخ تولد دارای شماره ملی با جز سهم ۵،۱ از کل سهم ۶ بعنوان مالک یک ممیز پنج دهم دانگ مشاع از شش دانگ عرصه واعیان با شماره مستند مالکیت ۴۷/۱۲۷۰۱ تاریخ ۱۳۸۰/۰۹/۱۰ موضوع سند مالکیت اصلی بشماره چاپی ۲۱۳۶۲۷ سری سال که در صفحه ۳۱۷ دفتر املاک جلد ۷۱۷ ذیل شماره ۱۴۱۰۲۱ ثبت گردیده است. سیستم جامع املاک بیش از این حکایتی ندارد. لذا به استناد مفاد ماده ۱۲۰ آئین نامه قانون ثبت مراتب یک نوبت آگهی ومتذکر می گردد هر کس نسبت به ملک مورد آگهی معامله انجام داده یا مدعی وجود سند مالکیت نزد خود باشد. بایستی ظرف ده روز از تاریخ انتشار این آگهی اعتراض کتبی خود را به پیوست اصل سند مالکیت یا سند معامله به این اداره تسلیم نماید بدیهی است در صورت عدم اعتراض درمهلت مقرر ویا وصول اعتراض بدون ارائه سند مالکیت یاسند معامله رسمی نسبت به صدور سند مالکیت المثنی وتسلیم آن به متقاضی اقدام خواهد شد.

م الف: ۹۱۳
رئیس اداره ثبت اسناد و املاک منطقه ٦ مشهد